

ارزیابی برنامه درسی کارشناسی هنر اسلامی و ارائه الگوی بهینه‌سازی از منظر کارآفرینی

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی و بهینه‌سازی سرفصل کارشناسی هنر اسلامی از منظر کارآفرینی به انجام رسیده است. جامعه آماری شامل متخصصین حوزه آموزش هنرهای ایرانی-اسلامی، خبرگان حوزه برنامه‌درسی و هم‌چنین، کارآفرینی بوده است. پرسش اصلی پژوهش از این قرار است که: چهار رکن هدف، محتوا، تدریس و ارزش‌یابی در سرفصل کارشناسی هنر اسلامی چگونه ارزیابی می‌گردد؟ و چگونه می‌توان با بهره‌گیری از مولفه‌های کارآفرینی و ظرفیت‌های میان‌رشته‌ای به بهبود آن پرداخت؟ فرض پژوهش این است که، آموزش عالی هنر اسلامی از منظر مولفه‌های کارآفرینی، از سطح کارآمدی مناسبی برخوردار نیست. پژوهش به‌لحاظ روش، توصیفی-پیمایشی و از حیث هدف، کاربردی است. هم‌چنین، شیوه یافته‌اندوزی مقاله ترکیبی است. مهم‌ترین ابزار مورد استفاده در بعد اسنادی شامل فرم‌های فیش‌برداری، فرم تحلیل محتوا و هم‌چنین، فرم فراتحلیل بوده است. در بخش میدانی نیز ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته به عنای بیش‌تر یافته‌ها کمک نموده است. برای تایید اعتبار پرسش‌نامه از طریق روش دلفی و بر مبنای نظر متخصصین خبره اقدام گردید. برای تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار استفاده شده است. مختصری از یافته‌های پژوهش گویای آن است که، در میان چهار رکن هدف، محتوا، تدریس و ارزش‌یابی، بُعد محتوا با میانگین ۵۳ کم‌ترین امتیاز و بُعد تدریس با میانگین ۶۹ بالاترین امتیاز را در قیاس با دیگر

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۶

محی‌الدین آقاداتی

دانشجوی دکتری تخصصی، رشته تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران.

Email:
m.aghadavoudi@shahed.ac.ir

خشایار قاضی‌زاده

(نویسنده مسئول)، استادیار گروه هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران.

Email: ghazizadeh@shahed.ac.ir

محمدحسن میرزاحمدی

دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران.

Email:
mirzamohammadi@shahed.ac.ir

بخش‌ها کسب نمودند. لازم به ذکر این‌که بیش از ۶۶ درصد گویه‌های بخش هدف، بیش از ۹۰ درصد گویه‌های محتوا، بیش از ۴۵ درصد گویه‌های تدریس و در نهایت، بیش از ۶۰ درصد گویه‌های ارزش‌یابی طبق استاندارد پرسش‌نامه و آرا متخصصان زیر حد متوسط (ضعیف) ارزیابی می‌گردد. لذا، در مجموع یافته‌ها ضمن تایید فرض پژوهش، بر ضرورت بهینه‌سازی برنامه‌درسی کارشناسی هنر اسلامی با تاکید بر منظر کارآفرینی و دیدگاه میان‌رشته‌ای تاکید دارند. در پایان، تلاش شد الگویی بهینه برای تدوین برنامه درسی و سرفصل کارآمدتر از منظر کارآفرینی ارائه گردد.

واژگان کلیدی: کارشناسی هنر اسلامی، ارزیابی برنامه درسی، بهینه‌سازی، کارآفرینی

مقدمه

از جمله اهداف و وظایف مهم نظام آموزش عالی هر کشور، پرورش نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز جامعه است. امروزه، دانشگاه‌ها باید دانش آموختگانی را با مهارت‌هایی که بتوانند به طور شایسته در عصر یادگیری ایفای نقش کنند، تربیت نمایند (شاه طالبی، لیاقت دار و شریفیان، ۱۳۹۵: ۲۱-۳۷). طراحی و بازنگری برنامه درسی یک پروسه هدف‌مند، مترقی و منظم برای ایجاد پیشرفت‌های مثبت در سیستم آموزش عالی است. بر این اساس برنامه درسی به یک سرمایه ارزشمند ملی برای کشورها بدل شده است؛ زیرا قرار است کشورها به واسطه آن به سرمایه ارزشمندتری که همانا سرمایه انسانی است، دست یابند، تا از این طریق، تحقق اهداف توسعه و پیشرفت، و در نتیجه، بقای آن‌ها در صحنه جهانی تضمین گردد (آل حسینی و مهر محمدی، ۱۳۹۰: ۲۹-۵۸). یکی از ویژگی‌های مهم برنامه درسی و به تبع آن سرفصل‌ها، تغییرپذیری و تحول آن با توجه به شرایط متغیر است، بنابراین، میان برنامه‌های درسی و تحولات علمی در آموزش عالی و محیط‌های ملی و بین‌المللی، تعامل وجود دارد (Soltani and Mehdipour, 2015: 52). در واقع برنامه درسی بخشی از درون‌داد نظام آموزش عالی است که اگر به طور مداوم بررسی شود و متناسب با تحولات تغییر یابد، می‌تواند در بهبود کارایی نظام آموزشی موثر باشد (Bazargan, 2004 34). به منظور گزینش بهترین و همگام‌ترین محتوا به عنوان برنامه درسی دانشگاهی متناسب با تحولات آموزش عالی، بازنگری مداوم برنامه‌های درسی در آموزش عالی امری ضروری است (Alavi, 2012: 10).

مولفه‌های آموزش کارآفرینی برای توسعه، امری اساسی و زیربنایی است که مورد توجه کشورهای جهان واقع شده است. با توجه به پژوهش‌های مختلفی که انجام گرفته است، آشکار شد که مولفه‌های کارآفرینان اغلب اکتسابی است، نه توارثی. ویژگی‌ها و خصوصیات کارآفرینی بایستی در جهت بهبود عرصه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد که عوامل متعددی این بستر فرهنگی را برای افراد تامین می‌کند (خوارزمی، ۱۳۹۷: ۳-۷). یکی از مهم‌ترین جنبه‌ها در راستای این بستر دانشگاهی از طریق توجه به کارآمدسازی برنامه درسی است. تا از این طریق بتوانیم به دانشجویان مهارت‌ها و توانایی‌های کارآفرینی را در قالب برنامه درسی منسجم و کارآمد آموزش دهیم و زمینه‌های بروز و توانایی‌های کارآفرینی از جمله خلاقیت و نوآوری، توانمندی‌های اقتصادی، مدیریت، بازاریابی

و غیره را فراهم آوریم (حسینی و عزیزی، ۱۳۸۶: ۲۴۱-۲۵۱). دوره آموزش کارشناسی هنر اسلامی یکی از دوره‌های آموزشی عالی هنر است که از سال ۱۳۸۴ تاسیس شده است. دانشجویان در این مقطع در یکی از پنج گرایش شیشه، سفال، هنر و صنایع چوب، نگارگری، هنر و صنایع فلز تحصیل می‌کنند. تعداد واحدهای درسی این سرفصل ۱۳۵ واحد است که شامل: ۲۰ واحد دروس عمومی و معارف اسلامی، ۳۳ واحد دروس پایه، دروس اصلی ۲۶ واحد، دروس تخصصی مشترک ۱۵ واحد، دروس تخصصی مجزا ۲۳ واحد، دروس اختیاری ۸ واحد^۱ یکی از مهم‌ترین تمایزاتی که کارشناسی هنر اسلامی به نسبت رشته صنایع دستی و دیگر رشته‌های هنرهای سنتی دارد، ورود زودتر دانشجویان به گرایش تخصصی از سال سوم تحصیل (ترم ۵) است. علی‌رغم این تمایز و برخی دیگر از تفاوت‌ها، تشابهات و هم‌پوشانی‌های دو برنامه درسی و سرفصل و به تبع سیستم آموزش دانشجویان و ماهیت تخصص‌های مربوط برنامه درسی کارشناسی هنر اسلامی بسیار است.

پژوهش حاضر دو هدف اصلی را پی‌گیری نموده است. نخست، ارزیابی میزان کارآمدی سرفصل کارشناسی هنر اسلامی بادر نظر گرفتن وجوه مختلف این رشته و تاکید بر مولفه‌های کارآفرینی است و هدف اصلی دوم، ارائه الگوی پیشنهادی جهت بهینه‌سازی سرفصل کارشناسی هنر اسلامی با تاکید بر کارآمدی از منظر کارآفرینی است. در راستای دست‌یابی به ارزیابی بهتر از وضعیت کارآمدی سرفصل کارشناسی هنر اسلامی با تاکید بر کارآفرینی و براساس آرای متخصصان، تلاش گردید مولفه‌هایی متناسب با ارکان دانش، بینش و مهارت آموزش عالی هنرهای ایرانی-اسلامی پیرامون سنجش عناصر چهارگانه سرفصل این رشته، یعنی هدف، محتوا، تدریس و ارزش‌یابی تدوین گردد؛ لازم به ذکر این که ارزیابی سرفصل کارشناسی هنر اسلامی صرفاً متکی به بعد کارآفرینی نبوده است؛ لیکن، مناسب است که در این بخش ضمن تعریفی مختصر از کارآفرینی، شماری از مولفه‌های مطرح ذیل این مفهوم ارائه گردد. کارآفرینی در هنرهای اصیل و صنایع فرهنگی خلاق به معنی ایجاد ایده‌های خلاقانه و دنبال کردن آن در مسیر تجاری برای به‌دست آوردن سود است، با این وجود تنها دلیل این گونه از کارآفرینی به‌دست آوردن سود نمی‌باشد، بلکه هدف اصلی آن خلاقیت و امکان ساخت محصولی جدید یا ارائه خدمتی نو و متمایز می‌باشد. در ادامه، به اختصار گلچینی از مولفه‌های مطرح ذیل مفهوم کارآفرینی را به تفکیک عناصر چهارگانه اصلی سرفصل ارائه نماییم.

هدف: آشنایی با مفاهیم پایه، انگیزه، علاقه و روحیه کارآفرینانه؛ فرصت‌شناسی، تحمل ابهام، خلاقیت و نوآوری؛ آشنایی دانشجویان با دانش و ماهیت کارآفرینی با تاکید بر کارآفرینی فرهنگی؛ هنری و چالش‌های پیش‌رو؛ نوآوری، انعطاف‌پذیری و حمایت از ایده‌های جدید؛ بالا بردن سطح پرورش و ارتقای استقلال، اعتماد به نفس، همکاری، کمک‌های متقابل، شناسایی ایده‌ها، ارزیابی و امکان‌سنجی پتانسیل ایده‌ها و اجرا و مدیریت پروژه؛ بالا بردن سطح پرورش و ارتقای شخصیت و صفات اخلاقی کارآفرین، کنترل ادراک شخصی، عزت نفس و میل به موفقیت؛ توسعه مهارت‌های ارتباطی و مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه پیرامون، غلبه بر مشکلات با کسب سواد اقتصادی مرتبط؛ ارتقای توفیق طلبی، ریسک‌پذیری، استقلال طلبی، توانایی کار گروهی، مهارت در روبرویی با شرایط عدم اطمینان؛ میل به کسب ثروت مفید و تمایل به ساختن چیزهای جدید؛ کسب مهارت در استفاده از فنون تحلیل فرصت‌های اقتصادی و ترکیب برنامه‌های عملیاتی، شناسایی و تحریک استعدادها کارآفرینانه، تشویق و ترغیب کسب و کارهای جدید مرتبط با رشته و ترغیب به خدمت به اجتماع؛ آگاهی و اطلاع از اصول بازاریابی، تامین مالی، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی.

محتوا: در نظر گرفتن محتوای مرتبط با ارتقای مهارت‌های میان فردی، فن مذاکره، مهارت‌های تصمیم‌گیری و مهارت ارائه؛ محتوایی مبتنی بر توسعه مدیریت کسب و کار، مدیریت منابع و امور مالی، بازاریابی و مهارت فروش محصولات هنری اصیل، خلق ایده و کشف فرصت‌ها، برنامه‌ریزی کسب و کار، سازمان‌دهی و تیم‌سازی، خلق کسب و کار جدید؛ در نظر داشتن محتوایی متناسب با ایجاد شایستگی‌های لازم در زمینه دانش، نگرش و مهارت، پرورش مهارت‌های عالی ذهن، ایجاد روحیه کارآفرینی؛ محتوا در راستای ارتقای مهارت‌های مدیریتی، مهارت‌های فردی و میان فردی همچون: کار گروهی، مدیریت پروژه، مذاکره، شبکه‌سازی و دیگر مهارت‌های اساسی اجتماعی هم چون توانایی یادگیری از دیگران و استفاده از تجارب آن‌ها؛ محتوایی مبتنی بر یادگیری درباره خود: درک ضعف‌ها و قوت‌های شخصی، حیطه‌های توسعه فردی، علایق و انگیزه‌ها، الزامات رشد و دیگر موارد مرتبط؛ ارتقای شناخت درباره نیازهای درونی کسب و کار، یادگیری درباره مدیریت کسب و کار و محیط و شبکه‌های کارآفرینی؛ توجه به مهارت‌های فنی، مهارت‌های مدیریتی و همچنین، مهارت‌های فردی همچون: کنترل درونی، خلاقیت، رهبری آینده‌نگر و

توانایی مدیریت مطابق با تغییر شرایط (شرایط بی‌ثبات).
فرآیند یاددهی و یادگیری (تدریس): روش‌های فعال و کارآمد تدریس کارآفرینانه هم‌چون روش گروهی، پروژه محور، نوشتن طرح کسب و کار و تجربه عملی و واقعی، روش حل مساله، تدریس مشارکتی، روش سمینار و روش شبیه‌سازی؛ توجه به فرآیند تدریس فراگیر محور و اقدام‌دار؛ برگزاری کارگاه‌های آموزشی مکمل با حضور کارآفرینان و فعالان مرتبط تجربی مرتبط با رشته؛ تلفیق اصول دانش علمی و حرفه‌ای، تدریس مبتنی بر فضای میان رشته‌ای؛ بهره‌گیری از ظرفیت‌های روزآمد هم‌چون آموزش‌های غیر حضوری؛ روش کارورزی، نوشتن گزارش فردی و پروژه محور.

ارزش‌یابی: ارزش‌یابی‌های مستمر و کارآمد شامل خود ارزیابی، ارزیابی تحلیل شکست، ارزیابی تفکر خلاق، پرونده دانشجویی؛ تهیه طرح کسب و کار، مطالعات امکان‌سنجی طراحی و تولید محصول و انجام پروژه‌های تقاضا محور؛ بهره‌گیری از ارزش‌یابی کمی و کیفی تکوینی؛ ارزش‌یابی انعطاف‌پذیر، چندجانبه، میان رشته‌ای و فرارشته‌ای؛ بهره‌گیری از متخصصان مختلف در امر ارزیابی توان‌مندی‌های چندگانه دانشجویان در راستای توانایی ایجاد کارآفرینی.

در راستای دست‌یابی به اهداف اصلی پژوهش که در بالا به همراه توضیحاتی ارائه شد، مهم‌ترین سوالاتی که در این مقاله در پی یافتن پاسخی مناسب برای آن‌ها هستیم عبارت است از:
ارکان چهارگانه «هدف، محتوا، تدریس و ارزش‌یابی» در سرفصل کارشناسی هنر اسلامی با تاکید بر مولفه‌های کارآفرینی چگونه ارزیابی می‌گردد؟

الگوی بهینه‌سازی سرفصل کارشناسی هنر اسلامی با تاکید بر کارآمدی کارآفرینانه واجد چه مولفه‌هایی است؟

روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی-پیمایشی^۲ به عنوان روش پژوهش استفاده شد. باید گفت از نظر هدف، پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی^۳ محسوب می‌شود. هم‌چنین از مطالعات نظری و اسنادی^۴ و شیوه‌های میدانی^۵ جهت مستندسازی تحقیق بهره گرفته شده است. مهم‌ترین ابزار یافته‌اندوزی در بخش میدانی، پرسش‌نامه بوده است. با عنایت به این که پرسش‌نامه‌های استاندارد موجود پوشش دهنده تمام هدف‌گذاری و مولفه‌های موردنیاز پژوهش حاضر نبوده است، در این مقاله ضمن بهره‌گیری از ساختار و مولفه‌های پرسش‌نامه‌های معتبر

استاندارد، برای تناسب بیش تر با موضوع، از پرسش نامه محقق ساخته بهره گرفته شده است. لازم به ذکر این که، سنجش روایی صوری (ساختاری) و محتوایی پرسش نامه از طریق روش دلفی در ابتدا، طبق نظر استادان راهنما و مشاوران و سپس، طبق نظر چندین متخصص حوزه های آموزش عالی هنر، بر نامه درسی و کار آفرینی انجام گرفته؛ و اصلاحات مدنظر متخصصین اعمال گردید. هم چنین پایایی پرسش نامه بر مبنای آلفای کرونباخ سنجش و تایید گردید. پرسش نامه محقق ساخته شامل ۳۷ گویه بر مبنای طیف لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) و بر اساس مقیاس رتبه ای است. هم چنین، یک سوال تشریحی مکمل برای ارائه برای توضیحات تکمیلی در ارتباط با آسیب ها و نقاط ضعف موجود و ایده های متخصصین برای بهبود شرایط تدوین گردید. گویه های پرسش نامه از طریق روش دلفی و خبرگان، فراتحلیل پژوهش های معتبر و یافته های کیفی و هم چنین، واکاوی مولفه های پرسش نامه های استاندارد متناسب تدوین گردید. برای تایید اعتبار پرسش نامه از طریق روش چندزاویه نگری و بر مبنای نظر متخصصین خبره از سراسر کشور اقدام گردید. پرسش نامه بر چهار بخش اصلی منطبق با ارکان برنامه درسی، شامل هدف، محتوا، تدریس و ارزشیابی متمرکز بوده است. در طراحی پرسش نامه ضمن مطالعه پیشینه پژوهش، از مولفه های نمونه پرسش نامه های استاندارد حوزه سنجش برنامه درسی، بررسی موفقیت آموزش کار آفرینی و دیگر پرسش نامه های معتبر مرتبط نیز بهره گرفته شد. برای طراحی و اجرای بهتر و دقیق تر پرسش نامه و هم چنین برای سهولت بیش تر اساتید و صرفه جویی در وقت ایشان به دو صورت آنلاین و همچنین از طریق ارسال فایل پرسش نامه اقدام گردید. بدین صورت که برای برخی از اساتید لینک پرسش نامه که در سایت (www.porsline.ir) برای پاسخ گویی ارسال می گردید. و برخی دیگر از اساتید از طریق ایمیل یا فضاهای گفت و گوی مجازی فایل پرسش نامه ارسال گردید. جامعه و نمونه پژوهش حاضر، شامل اساتید دانشگاهی، صاحب نظران دارای درجه های یک و دو هنری و دیگر متخصصین حوزه آموزش هنر اسلامی و آموزش عالی هنر، هم چنین حوزه علوم تربیتی با تمرکز بر تخصص برنامه درسی و کار آفرینی، اقتصاد و آموزش کار آفرینی بوده است. در این پژوهش، به شیوه نمونه گیری هدف مند ۲۶ نفر از متخصصین شاخص از دانشگاه های سراسر کشور هم چون دانشگاه هنر اصفهان، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه اصفهان، دانشگاه شاهد، دانشگاه الزهراء، دانشگاه هنر تهران، دانشگاه سوره و

پیشینه پژوهش

دانشگاه سمنان منتخب گردیدند. شیوه تحلیل داده های پژوهش پیش رو در دسته پژوهش های موردی در حوزه ارزیابی برنامه درسی قرار می گیرد. غالباً در پژوهش های ارزیابی برنامه های درسی که به صورت نمونه موردی انجام می شوند و مدعی تعمیم یافته هانیستند، روش غالب تحلیل نتایج پرسش نامه با بهره گیری از شیوه های آمار توصیفی است؛ با این وجود، همان گونه که در قسمت ابزار توضیح داده شده است، پرسش نامه علاوه بر گویه های تستی که خروجی آن بیش تر متکی به روش های آمار توصیفی شامل میانگین، میانه و انحراف معیار است، یک سوال چندوجهی تشریحی در مورد نظرات تکمیلی و ارائه راه کارهای بهبود متخصصین نیز بوده است؛ که طبیعتاً یافته های این بخش به صورت تحلیل کیفی انجام شده است.

با توجه به چندوجهی بودن پژوهش حاضر و ماهیت میان رشته ای آن، مولفان تلاش نموده اند گلچینی از مرتبط ترین، معتبر ترین و به روز ترین مطالعات انجام گرفته پیرامون آموزش عالی هنرهای سنتی و به طور ویژه هنرهای اسلامی، حوزه کار آفرینی و توسعه آموزش آن و هم نین حیطه اعتباریابی، سنجش و کارآمدسازی برنامه درسی را در این بخش مورد توجه قرار دهند. نوروز زاده و فتحی و اجارگاه (۱۳۹۱)، در «درآمدی بر برنامه ریزی درسی دانشگاهی» معتقدند، برنامه درسی یکی از مهم ترین عناصر آموزش عالی و دانشگاه ها به حساب می آید؛ و نقش تعیین کننده و غیر قابل انکاری را در راستای تحقق اهداف و رسالت های آموزش عالی از نظر کمی و کیفی ایفا می کند. در حوزه ارزیابی برنامه درسی رشته های مختلف مطالعات گوناگونی انجام گرفته است، لیکن در قیاس با پژوهش های مذکور، تحقیق منسجم و علمی با تمرکز بر ارزیابی و ارائه راه کار بهبود در رشته های هنری کم تر انجام گرفته است. در ادامه، مختصری از پژوهش های انجام گرفته در حوزه ارزیابی و بهینه سازی برنامه درسی و سرفصل رشته های هنری با تمرکز بر شاخه های منتخب در این پژوهش ارائه می گردد. لازم به ذکر است که، بر اساس جست و جوهای گسترده مولفان کم تر پژوهش علمی و منسجمی در حوزه تجزیه و تحلیل رشته هنر اسلامی و به طور کلی، آموزش هنرهای اسلامی به انجام رسیده است؛ و مطالعات مرتبط با این رشته غالباً غیر تخصصی و در دل مطالعات گسترده تر دیگر تدوین شده است. مقالات ارائه شده در «اولین همایش ملی آموزش عالی هنر» (۱۳۹۱)، نشان می دهند

ضعف‌های فراوانی در برنامه‌های هنری و به‌ویژه هنرهای سنتی، صنایع دستی و هنر اسلامی وجود دارد؛ که عمدتاً ناظر بر عدم کفایت برنامه‌درسی و سرفصل موجود در پرورش و بروز استعداد‌های هنری، عدم امکان بروز ایده‌های خلاق به‌عنوان توانایی‌های سیال ذهن و در نهایت، عدم برخورداری دانشجویان از توانایی‌های کافی جهت تحقق ایده‌ها و اندیشه‌هایش برای ورود به جامعه است. نتیجه پژوهش حجازی و کریمی (۱۳۹۱)، در مقاله «بررسی و بازنگری کارآمدی سرفصل‌های رشته صنایع دستی: نمونه موردی رشته صنایع دستی دانشگاه مازندران» - که از جمله مقالات همایش یادشده در فوق است - نشان می‌دهد اعمال تغییرات کامل و با اصلاح در عناوین و محتوای دروس برنامه درسی هنر اسلامی برای نتیجه‌بخش بودن و تناسب با نیازهای دانشجویان و پرورش کیفی مهارت‌ها و رشد خلاقیت دانشجویان این رشته الزامی است. یافته‌های مقاله «تحلیل وضعیت آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران» نوشته شریف و همکاران (۱۳۹۰)، گویای شرایط نامساعد کارآفرین‌پروری در نظام آموزش عالی و به خصوص رشته‌های هنری است. در پژوهش «آسیب‌شناسی کارکرد عناوین درسی رشته نقاشی (دوره کارشناسی) در پیوند با اقتصاد هنر» نوشته رسق قزلباش (۱۳۹۴)، ره‌آورد آسیب‌شناسی واحدهای درسی کارشناسی هنر از منظر اقتصاد هنر به ضرورت بازنگری و بهینه‌سازی واحدهای درسی با رویکرد کاربردی و در راستای نیازمندی‌های کسب و کار جامعه امروزی تأکید شده است. در پژوهش «مبانی سنتی هنر اسلامی» نوشته صبری و اعوانی (۱۳۹۸)، مبانی هنرهای اسلامی و ظرفیت‌های مختلف هنرهای مذکور مورد واکاوی قرار گرفته است. و ضرورت توجه به مبانی اصیل این رشته مورد تأکید قرار گرفته است. فروغی‌نیا و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهش «مطالعه تطبیقی نظام آموزش رسمی صنایع دستی ایران و ترکیه با رویکرد «صنایع فرهنگی خلاق» برنامه‌های درسی کنونی رشته هنرهای ایرانی - اسلامی را در پرورش توانایی‌های فردی، عمومی، تخصصی، شغلی، اقتصادی و مدیریتی، ناکارآمد دانسته و محتوای آن‌ها را نیازمند تغییر و بازنگری می‌دانند. یافته‌های بخش مصاحبه‌های رساله «پژوهشی در امکان احیاء نظام استاد و شاگردی در آموزش هنر ایرانی اسلامی در عصر حاضر» نوشته سیفی (۱۳۹۴)، که در حوزه امکان‌سنجی احیای روش‌های استاد-شاگردی در نظام آموزش هنرهای ایرانی-اسلامی است، گویای ضرورت بازنگری در برنامه درسی، توجه بیش‌تر به مهارت‌آموزی و هم‌چنین، ضرورت بازنویسی اصول برنامه

درسی منطبق با نیازهای روز است. اسمی (۱۳۹۳)، در پژوهش «طراحی چارچوب برنامه درسی کارآفرینی و ارزیابی برنامه درسی رشته‌های کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی» به طراحی چارچوب برنامه درسی کارآفرینی و مولفه‌های آن در آموزش عالی پرداخته است. یافته‌های پژوهش گویای آن است که برنامه ریزان باید به مولفه‌های دانش، نگرش، بینش و مهارت‌های کارآفرینی، خوداشتغالی و آمادگی شغلی دانشجویان، پروژه‌های سرمایه‌گذاری، طرح‌های کسب و کار، دانش اقتصاد و بازار، کسب مهارت‌های تحلیل اقتصادی و طرح‌های مشارکت جویی توجه بیش‌تری داشته باشند. شجاعی (۱۳۹۸)، در رساله «طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی برای رشته علوم تربیتی مقطع کارشناسی» به موضوع کارآمدسازی برنامه درسی با تأکید بر کارآفرینی پرداخته است. پژوهش قابل توجه دیگر با عنوان (بررسی تأثیر آموزش روش‌های خلاقیت در درس کارگاه نقاشی) است که توسط حوریزاد گنج‌کار و حسنونند (۱۳۹۸) به چاپ رسیده است. در این پژوهش جامعه آماری به صورت متمرکز از دانشجویان کارشناسی رشته نقاشی دانشگاه الزهرا تشکیل شده است. مختصری از یافته‌ها گویای آن است که آموزش خلاقیت موجب رشد خلاقیت دانشجویان می‌گردد و براساس ارزشیابی استادان هنر، موجب رشد معنی‌دار مولفه‌های خلاقیت در آثار عملی دانشجویان گردیده است. ملکی‌پور و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهش «برنامه درسی آموزش کارآفرینی مبتنی بر شایستگی» به تجزیه و تحلیل مولفه‌های شایستگی در برنامه درسی در راستای ارتقای آموزش کارآفرینی پرداخته‌اند. در جمع‌بندی این بخش، چند مورد مهم قابل ذکر است؛ نخست این که، مطالعات گویای ضرورت بازنگری و بهینه‌سازی برنامه‌های درسی و سرفصل‌های موجود رشته‌های هنرهای سنتی و به‌طور ویژه هنر اسلامی هستند. دومین مورد این که، به غیر از معدودی از منابع که بعضاً واحدهای درسی متعلق به برخی از رشته‌های هنرهای سنتی، هم‌چون صنایع دستی را به صورت موردی بررسی نموده‌اند، مابقی مطالعات دیدگاه کل‌گرا به موضوع آموزش هنر داشته‌اند و در حوزه هنر اسلامی و آموزش آن نیز کم‌تر پژوهشی به انجام رسیده است. مورد مهم پایانی - که بیش از دو نکته پیشین ناظر بر ضرورت و اهمیت انجام پژوهش حاضر است - این است که در حوزه ارزیابی، آسیب‌شناسی و ارائه الگوی بهینه‌سازی روش‌مند برنامه درسی و سرفصل مقطع کارشناسی هنر اسلامی آن هم با تأکید بر رویکرد کارآمد کارآفرینی، کم‌تر پژوهشی به انجام رسیده است.

جدول ۱. یافته‌های تحلیلی گویه‌های بخش هدف (ماخذ: نگارندگان).

گویه‌ها	رتبه	میانگین	میانه	انحراف معیار
۱-۱ پرورش کارآفرین در حوزه‌های مرتبط با هنر اسلامی	۵	۲,۸۵	۳	۱,۱۳
۲-۱ پرورش هنرمند و نظریه پرداز در حوزه‌های مرتبط با هنر اسلامی	۲	۳,۲۳	۳	۰,۹۳
۳-۱ تربیت طراح و سازنده ماهر در حوزه‌های مرتبط با هنر اسلامی	۳	۳,۰۸	۳	۱
۴-۱ پرورش مدیر تولید و بازرگانی در حوزه‌های مرتبط با هنر اسلامی	۱۰	۲	۲	۰,۹۲
۵-۱ آموزش مدرس دروس تخصصی در حوزه‌های مرتبط با هنرهای اسلامی	۱	۳,۲۷	۳	۱,۰۶
۶-۱ تربیت پژوهشگر برای انجام پژوهش‌های مبتنی بر نیازهای جامعه در حوزه هنرهای اسلامی	۴	۳	۳	۰,۸۳
۷-۱ ایجاد هم‌افزایی و همکاری‌های بینارشته‌ای و فرارشته‌ای	۶	۲,۶۹	۲,۵	۱,۱
۸-۱ توجه به نیازهای جامعه هنرهای اسلامی-ایرانی و امکانات ذی‌نفعان	۷	۲,۶۲	۳	۱,۱۱
۹-۱ هم‌سو بودن و تناسب با تغییرات جامعه مصرف‌کننده و بازار کار	۹	۲,۱۹	۲	۱,۱۸
۱۰-۱ تناسب با توانایی‌های داوطلبان ورود به دانشگاه و نیازهای آن‌ها پس از فارغ‌التحصیلی	۸	۲,۵۸	۳	۰,۷۹
۱۱-۱ کارآمدی از منظر مهارت‌آموزی و کارآفرینی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان	۱	۳,۲۷	۳	۰,۸۶
۱۲-۱ اهداف برنامه درسی مقطع کارشناسی هنر اسلامی با تاکید بر مولفه‌های کارآفرینی و کارآفرینی فرهنگی تا چه میزان محقق شده‌است؟		۲,۸۸	۳	۰,۷۵

یافته‌ها

در این بخش به صورت منسجم سوالات پژوهش و یافته‌های مربوط به هر یک از آن‌ها ارائه می‌گردد.

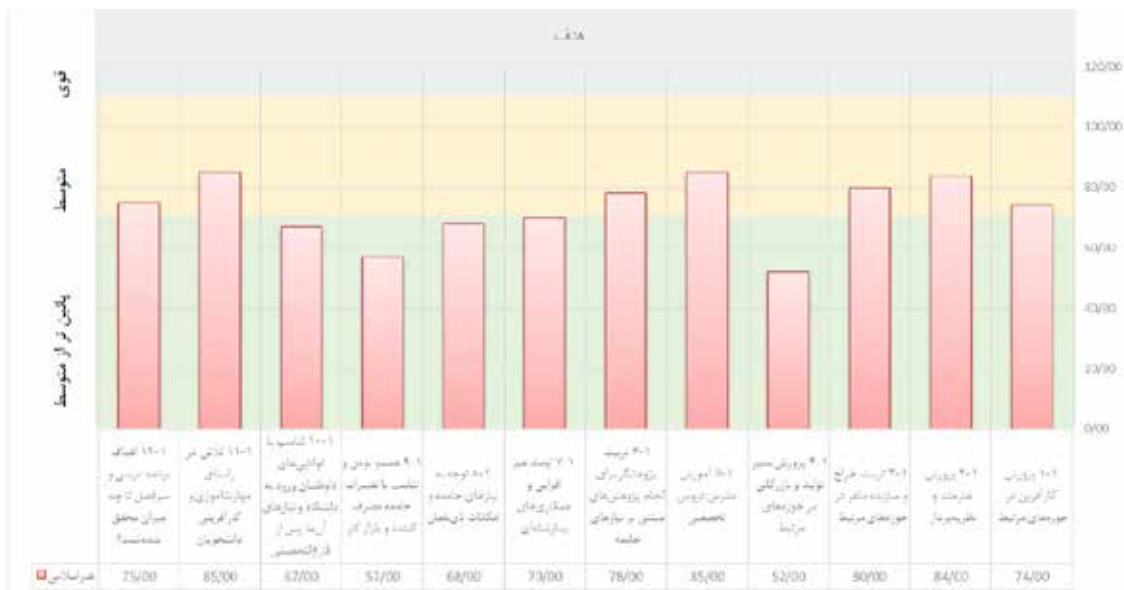
۱۱) اهداف در برنامه درسی مقطع کارشناسی هنر اسلامی با تاکید بر مؤلفه‌های کارآفرینی چگونه ارزیابی می‌گردد؟

در بعد هدف دوازده گویه در پرسش‌نامه تعریف گردیده بود. در جدول ۱، تمامی گویه‌ها به صورت کدگذاری ارائه شده‌است و در ستون مقابل هر گویه یافته‌های طبقه‌بندی

شده ارائه گردیده‌است.

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد در بعد هدف، شاه مفاهیمی از جمله توسعه فعالیت‌های بینارشته‌ای، نیازهای جامعه هنرهای سنتی (صنایع دستی و هنر اسلامی)، شامل اقتصادی، اجتماعی، ارتباطات و غیره، مناسبات و تغییرات بازار هدف، مولفه‌های کارآفرینی از جمله مهارت‌آموزی، ریسک‌پذیری، توان‌مندی‌های پولی-مالی و غیره مورد ارزیابی قرار گرفته‌است. مولفه مهارت‌آموزی بر مبنای غالب بودن واحدهای عملی

نمودار ۱. تجمیع نمرات گویه‌های بخش هدف (ماخذ: نگارندگان).



و کارگاهی در دورشته از نظر متخصصان دارای بیشترین میانگین امتیازی در قیاس با دیگر مولفه‌ها ارزیابی شده‌است. در سمت مقابل هدف گذاری برای پرورش نیروهای انسانی خبره در امر مدیریت هنر اسلامی در بعد داخلی و صادرات - که از جمله توان‌مندی‌های مورد نیاز فارغ‌التحصیلان رشته هنر اسلامی در وضعیت کنونی است - به عنوان پایین‌ترین مولفه از نظر امتیاز

به مشاغل دولتی در دانشجویان است. (۲) محتوا در برنامه درسی مقطع کارشناسی هنر اسلامی با تاکید بر مولفه‌های کارآفرینی چگونه ارزیابی می‌گردد؟ در بعد محتوا، شش گویه اصلی با درون مایه مولفه‌هایی مانند «فرصت آفرینی برای اشتغال» به خصوص مشاغل خرد که هم راستا با رشته هنر اسلامی است، «مهارت‌های مالی و توسعه»،

جدول ۲. یافته‌های تحلیلی گویه‌های بخش محتوا (ماخذ: نگارندگان).

گویه‌ها	رتبه	میانگین	میانه	انحراف معیار
۱-۲ شناساندن محیط و شرایط کسب و کار (مجموعه قوانین و مقررات، اخذ مجوزهای قانونی، زیرساخت‌های تجاری و فیزیکی و...) به دانشجویان	۳	۲,۱۵	۲	۰,۹۵
۲-۲ در بردارنده مهارت‌های کارآفرینی شامل (خلاقیت، نوآوری، ایده‌پردازی و...)	۱	۲,۶۵	۳	۱,۱۷
۲-۳ افزایش مهارت‌های بازاریابی	۴	۲,۱۹	۲	۰,۹۶
۲-۴ مهارت‌های مالی (سرمایه گذاری، بورس و...) توسعه	۵	۱,۸۱	۱,۵	۱,۰۴
۲-۵ شناسایی فرصت‌های شغلی و راهکارهای ایجاد اشتغال و مشاغل خانگی	۲	۲,۵۸	۲,۵	۱,۲۱
۲-۶ میزان موفقیت محتوای تدوین شده برای برنامه درسی مقطع هنر اسلامی را از منظر مهارت‌آموزی و کارآفرینی چگونه ارزیابی می‌کنید؟	۳	۳	۳	۱,۰۷

«مهارت‌های بازاریابی و بسترهای فروش و شناساندن صحیح و کارآمد محیط و شرایط کسب و کار واقعی» - که این مورد یکی از مولفه‌های بسیار کلیدی در راستای بهبود خلأ ایجاد شده بین فضای بازار کار و آموزش‌های دانشگاهی است - و دیگر موارد اساسی مورد واکاوی قرار گرفته‌است. در جدول ۲، تمامی گویه‌ها به صورت کد گذاری ارائه شده‌است و در ستون مقابل هر گویه یافته‌های طبقه‌بندی شده ارائه گردیده‌است.

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌نمایید میانگین نمرات بخش محتوا به مراتب پایین‌تر از سایر بخش‌هاست. در مورد این ضعف نمایان در بعد محتوا در بخش‌های دیگر و به خصوص نتیجه‌گیری اطلاعاتی ارائه شده‌است. بعد محتوا با وجود اهمیت بسیار و نقش تعیین‌کننده در میزان موفقیت برنامه درسی و سرفصل رشته هنر اسلامی، در شرایط فعلی از منظر متخصصان بسیار نامناسب سنجیده شده‌است. در بین گویه‌های ارائه شده بخش محتوا مهارت‌های مالی و توسعه با وجود اهمیت‌های بسیار در کم‌ترین سطح امتیازی؛ و بخش مهارت‌ها به جهت غالب بودن واحدهای عملی و کارگاهی توسط متخصصان کمی بهتر از دیگر مولفه‌ها سنجیده شده‌اند. لازم به ذکر است که، تجربه بیش از ده سال تحصیل، پژوهش و تدریس در رشته هنر اسلامی مولفان گویای آن است که، بعد مهارت‌های کارآفرینی شامل خلاقیت، نوآوری، ایده‌پردازی‌های اجرایی و مناسب و بسیاری دیگر از

سنجیده شده‌است. هم‌چنین، مولفه‌های با اهمیتی هم‌چون تغییر متناسب با جامعه معاصر و بازار کار، ایجاد بسترهای فعالیت میان رشته‌ای و هم‌چنین، مدنظر قرار دادن نیازهای جامعه معاصر و ذی‌نفعان در رتبه‌های پایین ارزیابی شده‌اند. در نمودار ۱، نمرات تجمیعی گویه‌های مربوط به بخش هدف در سرفصل رشته ارائه شده‌است. لازم به ذکر است که، براساس استاندارد رتبه‌بندی پرسش‌نامه ضمن ارائه نمرات تجمیعی هر گویه، سطح‌بندی آن اعم از پایین‌تر متوسط، متوسط و قوی نیز با تفکیک سطوح رنگی معین شده‌است.

یافته‌های آماری در نمودار فوق گویای آن است که در سرفصل کارشناسی در هنر اسلامی ۴۱/۶ درصد گویه‌های سنجیده شده در بخش هدف در سطح پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی می‌شوند. هم‌چنین براساس آرای متخصصان ۵۸/۴ درصد گویه‌ها در برنامه درسی هنر اسلامی در حد متوسط سنجیده شده‌اند. در بعد هدف از منظر متخصصان «مهارت‌آموزی» در قیاس با سایر مولفه‌ها قوی‌تر ارزیابی شده‌است و بحث «پرورش نیروی توان‌مند برای مدیریت تولید و کسب و کار» که در واقع اصل مطلب کارآفرینی در رشته‌های هنرهای ایرانی - اسلامی است، به عنوان ضعیف‌ترین بخش در بعد هدف دو سرفصل تشخیص داده شده‌است. این در حالی است که رسالت دانشگاه به خصوص در شاخه‌های نظری - عملی ایجاد و افزایش توان‌مندی اشتغال‌زایی و کاهش وابستگی

نمودار ۲. تجمیع نمرات گویه‌های مختلف رکن محتوا (ماخذ: نگارندگان).



مولفه‌های مهم کارآفرینی در مقطع کارشناسی هنر اسلامی از وضعیت مناسبی برخوردار نیست.

در ادامه، در نمودار ۲، تجمیع امتیازات حاصل از پرسش‌نامه برای

جدول ۳. یافته‌های تحلیلی گویه‌های بخش محتوا (ماخذ: نگارندگان).

گویه‌ها	رتبه	میانگین	میان	انحراف معیار
۱-۳ ترغیب دانشجویان به انجام پژوهش در حوزه رشته هنر اسلامی	۴	۲,۸۱	۳	۱,۰۴
۲-۳ ترغیب دانشجویان به انجام پژوهش در حوزه اشتغال و کارآفرینی	۱۰	۲,۳۱	۲	۰,۸۲
۳-۳ کمک به افزایش توان فکری و قدرت حل مساله دانشجویان	۵	۲,۶۹	۳	۰,۹۹
۴-۳ کمک به بهبود و افزایش استقلال و اعتماد به نفس دانشجویان	۲	۲,۸۸	۳	۱,۰۵
۵-۳ تمرکز و توجه به تمرین در زمینه‌های واقعی بازار کار	۶	۲,۵۸	۳	۱,۱۸
۶-۳ توجه به روش‌های حل مساله، روش تجسم‌سازی خالق یا دیگر روش‌های آموزش خلاقیت در تفهیم موضوعات آموزشی	۹	۲,۳۸	۳	۱
۷-۳ توجه و ترغیب دانشجویان به انجام فعالیت‌های کلاسی به صورت گروهی	۴	۲,۸۱	۳	۱,۰۷
۸-۳ بهره‌گیری از فعالان و خبرگان هنر در تدریس دروس نظری و عملی	۱	۳,۱۹	۳	۰,۹۶
۹-۳ آشنایی اساتید رشته صنایع دستی با مباحث کارآفرینی و اشتغال‌زایی	۸	۲,۴۲	۲	۱,۰۱
۱۰-۳ بهره‌گیری از مدرسان کارآفرینی متخصص برای تدریس	۷	۲,۴۶	۳	۱,۲۲
۱۱-۳ رعایت تناسب و هماهنگی بین مطالب نظری و عملی	۳	۲,۸۵	۳	۱,۱
۱۲-۳ برگزاری کارگاه‌های توانمندسازی استادان	۱۱	۲,۱۹	۲	۱,۱۴
۱۳-۳ میزان موفقیت بعد تدریس را در برنامه درسی مقطع کارشناسی هنر اسلامی در چه حد ارزیابی می‌کنید؟	-	۳	۳	۰,۷۳

خبیرگان هنر در تدریس دروس در قیاس با سایر گویه‌ها، حایز بیش‌ترین میانگین امتیازی و عدم برگزاری مناسب کارگاه‌های توان‌مندسازی در راستای تقویت و به‌روزرسانی شیوه تدریس رشته هنر اسلامی در پایین‌ترین سطح امتیازی ارزیابی شده است. در ادامه، در قالب نمودار ۳، نمرات تجمیعی گویه‌ها به همراه رتبه‌بندی آن‌ها بر اساس استانداردهای رتبه‌بندی پرسش‌نامه ارائه شده است.

همان‌گونه که در نمودار فوق ملاحظه می‌شود، بیش‌ترین مولفه بینارشته‌ای که طبق نظر متخصصین نیاز به تقویت دارد، مبحث مهم دوره‌های توان‌مندسازی اساتید و به‌روزرسانی اطلاعات ایشان است که با کم‌ترین امتیاز در نمودار معین شده است. اما، مولفه بهره‌گیری از خبرگان هنری در بعد آموزش بر اساس آرای خبرگان دارای بیش‌ترین قوت در قیاس با دیگر گویه‌ها بوده است. لازم به ذکر است که، همین تکیه صرف بر اساتیدی که در حوزه‌های هنری تخصص دارند و غالباً، از مباحث میان رشته‌ای و به خصوص، کارآفرینی بی‌اطلاع هستند، باعث کاهش کیفیت به‌روزشوندگی برنامه درسی صنایع دستی شده است.

ارزیابی کلی بعد تدریس حاکی از این است که، در سنجش سر فصل کارشناسی هنر اسلامی ۴۶/۲ درصد گویه‌ها در حد متوسط و ۵۲/۸ درصد پایین‌تر از حد متوسط سنجش شده است. بهره‌گیری از خبرگان هنری برای تدریس شاخه‌های تخصصی هنر در قیاس با دیگر گویه‌ها در این رشته دارای بیش‌ترین امتیاز بوده است. لازم به ذکر است که در مصاحبه‌هایی که با اساتید

نیز مشهود است، ۸۳/۳ درصد گویه‌های سنجش شده در بعد محتوای برنامه درسی هنر اسلامی پایین‌تر از حد متوسط قرار دارند، این در حالی است که تنها ۶/۷ درصد گویه‌ها متوسط سنجیده شده است. یافته‌های کلی این بخش نشان از ضعف بسیار زیاد محتوای سرفصل به عنوان مهم‌ترین اسناد راهبردی آموزش این رشته در مقطع کارشناسی دارد. در بعد محتوا بحث «مهارت محوری» در قیاس با دیگر گویه‌ها حایز بیش‌ترین امتیاز شده است. لازم به ذکر اینکه همین مولفه در بعد هدف نیز دارای بیش‌ترین امتیاز گردید و لذا به نظر می‌رسد بحث مهارت به جهت تعدد دروس کارگاهی رشته بیش‌تر مد نظر اساتید خبره بوده است. و اما شاه مفهوم «مهارت‌های مالی و توسعه» به عنوان ضعیف‌ترین مولفه در بعد محتوا از منظر اساتید ارزیابی شده است.

۳) بعد تدریس در برنامه درسی مقطع کارشناسی هنر اسلامی با تاکید بر مؤلفه‌های کارآفرینی چگونه ارزیابی می‌گردد؟

در بعد تدریس سیزده گویه در پرسش‌نامه تعریف گردیده بود. در جدول ۳، گویه‌ها به صورت کدگذاری ارائه شده است و در ستون مقابل هر گویه یافته‌های طبقه‌بندی شده ارائه گردیده است.

مهم‌ترین شاه مفاهیم مطرح، شامل «ترغیب و راهنمایی دانشجویان برای ورود به حوزه اشتغال و کارآفرینی»، «بهبود و افزایش توان فکری و قدرت حل مسأله»، «تمرکز و تاکید بر زمینه‌های واقعی بازار کار»، «روش‌های آموزش خلاقانه منطبق با مولفه‌های کارآفرینی» و دیگر مولفه‌های مهمی بود که در فوق مشاهده می‌گردد. از این بین، بهره‌گیری از فعالان و

نمودار ۳. تجمیع نمرات گویه‌های مختلف رکن تدریس (ماخذ: نگارندگان).



جدول ۴. یافته‌های تحلیلی گویه‌های بخش ارزش‌یابی (ماخذ: نگارندگان).

گویه‌ها	رتبه	میانگین	میان‌ه	انحراف معیار
۱-۴ توجه به مباحثی هم‌چون ایده‌پردازی، خلاقیت و نوآوری در سنجش عملکرد دانشجویان	۲	۲,۷۷	۳	۱,۰۱
۲-۴ سنجش دقیق مهارت‌های دانشجویان در ارزش‌یابی‌های پایانی واحدهای عملی و کارگاهی	۱	۳,۱۵	۴	۱,۱۷
۳-۴ ارزش‌یابی دانش کاربردی و بینش دانشجویان نسبت به رشته، آینده‌شغلی و مسایل مرتبط	۳	۲,۶۲	۲	۱,۰۴
۴-۴ سنجش روحیه و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان	۵	۲,۱۹	۲	۰,۹۶
۵-۴ بررسی توان‌مندی‌ها و مهارت‌های دانشجویان برای ورود به بازار کار و ایجاد اشتغال	۴	۲,۵۴	۳	۱,۱۲
۶-۴ ارزش‌یابی تدوین شده برای برنامه درسی مقطع کارشناسی هنر اسلامی از منظر مهارت‌آموزی و کارآفرینی تا چه میزان موفق بوده‌است؟	-	۲,۵۸	۳	۰,۹۳

این که، دو گویه بهره‌گیری از خبرگان مسلط بر امر کارآفرینی و کارآفرینی در هنرهای ایرانی-اسلامی و هم‌چنین، مبحث ترغیب دانشجویان به جست‌وجو و تلاش در راستای کارآفرینی نیز در سطح پایین‌تر از متوسط (ضعیف) ارزیابی شده‌است. (۴) بعد ارزش‌یابی در برنامه درسی مقطع کارشناسی هنر اسلامی با تاکید بر مولفه‌های کارآفرینی چگونه ارزیابی می‌گردد؟ بخش ارزش‌یابی شامل شش گویه اصلی بوده‌است. در این قسمت از حیث «سنجش روحیه و مهارت‌های کارآفرینی»، «ارزش‌یابی

متخصص انجام شد، بحث دعوت از اساتید پیش‌کسوت، تجربی و فنی - که غالباً فعال بازار خوانده می‌شوند- در این رشته مطرح گردیده، البته که قطعاً برای پیش‌برد صحیح آموزش دانشگاهی رشته‌های هنرهای سنتی و شاخه‌های نظری-عملی هم‌چون هنر اسلامی، در کنار تجربه، دانش و بینش هم بسیار با اهمیت است. دو نکته قابل توجه در این بخش قابل ذکر است. نخست این که، برگزاری کارگاه‌ها و تلاش در جهت توان‌مندسازی اساتید در پایین‌ترین سطح ارزیابی شده‌است. نکته جالب توجه دیگر

نمودار ۴. تجمیع نمرات گویه‌های مختلف رکن ارزش‌یابی (ماخذ: نگارندگان).



بحث

در این پژوهش چهار رکن اصلی برنامه‌درسی و به طور مشخص سر فصل کارشناسی هنر اسلامی با تاکید بر مولفه‌های کارآفرینی مورد ارزیابی متخصصین قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاضر گویای وجود ضعف‌های قابل توجه در وجوه مختلف به خصوص در عدم هماهنگی و به‌روز بودن متناسب با نیازهای جامعه معاصر، کم‌توجهی نسبت به ارتقای بینش بینارشته‌ای در دانشجویان، در نظر نگرفتن توان دانشجویان و نیازهای فارغ‌التحصیلان متناسب با جامعه امروزی، تدوین محتوای سر فصل هنر اسلامی که بر اساس اطلاعات و شرایط دهه هشتاد شمسی، عدم شفافیت بسیاری برای بهره‌گیری به عنوان سند مکتوب و تعیین‌کننده جریان آموزش، عدم توجه به نیازها و توان دانشجویان و کم‌توجهی نسبت به ماهیت و ظرفیت‌های نظری-عملی رشته هنر اسلامی، برخورد‌های سلیقه‌ای و به دور از چارچوب منظم برخی از اساتید نسبت به مقوله آموزش و هم‌چنین، بهره کم از اساتید موفق کارآفرین در حوزه هنرهای سنتی و به طور مشخص هنر اسلامی، عدم برنامه‌ریزی دقیق نسبت به شرایط دانشجویان و نیازهای پیش روی فارغ‌التحصیل، کم‌دقتی نسبت به سنجش روحیه و ظرفیت‌های کارآفرینانه دانشجویان، ارائه یک روند ثابت و بی‌تناسب برای همه دانشجویان، کم‌توجهی به تفاوت‌های دانشجویان و توان آن‌ها و دیگر موارد اشاره نمود. لذا، در مجموع یافته‌های مقاله حاضر بر ضرورت بازنگری و بهینه‌سازی سه ضلع لازم برای موفقیت سر فصل یعنی دانش، بینش و مهارت تاکید دارد. تبیین وجود ناکارآمدی‌ها و نارسایی‌های موجود در سر فصل کارشناسی هنر اسلامی و ضرورت بازنگری و بهینه‌سازی آن، هم راستا با برخی از پژوهش‌های پیشین از جمله سیفی (۱۳۹۴)، هوشیار (۱۳۹۰)، حجازی و کریمی (۱۳۹۱)، ساداتی (۱۳۹۴) و قربانی (۱۳۹۵) است. از جمله تمایزات جدی یافته‌های پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌های پیشین می‌توان به رویکرد محور و جزء نگر بودن در حوزه ارزیابی و بهینه‌سازی آموزش عالی هنر اسلامی، بهره‌گیری از روش تحقیق ترکیبی و ابزار پرسش‌نامه و در نهایت، ارائه الگوی علمی و منسجم بهینه‌سازی اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

برنامه‌های درسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر آموزش عالی در کارآمدی و ثمربخش بودن آموزش و به تبع پرورش فارغ‌التحصیلان توان‌مند جایگاه ویژه بینارشته‌ای دارند. به‌طور استاندارد برای بهینه‌سازی برنامه درسی اجرا شده نیاز است که

دانش کاربردی و بینش دانشجویان نسبت به رشته و آینده شغلی، «توجه به‌ایده‌پردازی و خلاقیت» و دیگر مولفه‌های مرتبط با کارآفرینی و کارآفرینی هنر، برنامه درسی مورد ارزیابی قرار گرفته‌است. در ادامه در جدول ۴، گویه‌ها و تحلیل‌های مربوط به هر یک ارائه شده‌است.

همان‌گونه که در فوق ملاحظه می‌گردد، مبحث سنجش مهارتی دانشجویان با بالاترین میانگین امتیازی و ارزیابی توان‌مندی‌ها و مهارت‌های دانشجویان برای ورود به بازار کار و اشتغال - که اهمیت آن بر همگان روشن است - در پایین‌ترین رتبه قرار گرفته است. هم‌چنین، مبحث بسیار با اهمیت سنجش روحیه و ظرفیت‌های کارآفرینی و ارزیابی دانش کاربردی و بینش دانشجویان نسبت به رشته، آینده شغلی و مسایل مهم آن نیز در رتبه‌های پایین و از نظر متخصصان ضعیف ارزیابی شده‌است. در ادامه، در نمودار ۴، امتیازهای تجمیعی گویه‌های بخش ارزش‌یابی به همراه رتبه‌بندی آن‌ها ارائه شده‌است.

نکته قابل توجهی که در نمودار فوق مشاهده می‌شود این که، گزاره «سنجش روحیه و مهارت‌های کارآفرینی دانشجویان» به عنوان ضعیف‌ترین گویه در سر فصل کارشناسی هنر اسلامی ارزیابی شده است. هم‌چنین، «سنجش مهارت‌ها در ارزش‌یابی‌های پایانی» به عنوان موفق‌ترین وجه بعد ارزش‌یابی سر فصل در قیاس با سایر مولفه‌ها از منظر متخصصین بوده است. نکته ظریف و مهمی که از دل این یافته قابل طرح است، فاصله زیاد و خلای چشم‌گیری است که بین وضعیت آموزش رشته هنر اسلامی و صنایع دستی در دانشگاه و وضعیت اشتغال فارغ‌التحصیلان این رشته در بازار کار ایجاد شده‌است. به این معنا که مهارت‌های کسب‌شده و ارزیابی شده دانشجویان ناکارآمد بوده و در نتیجه، ضامن موفقیت آن‌ها برای ورود به فضای کسب و کار نیست.

بر مبنای یافته‌هایی که در نمودار فوق ارائه گردید، در این بخش ۳۳/۴ درصد گویه‌ها در حد متوسط و ۶۶/۶ درصد پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی شدند. سنجش مهارت پیرو واحدهای عملی و کارگاهی بالاترین سطح امتیاز، و بررسی توان‌مندی و مهارت‌های دانشجویان برای ورود به بازار کار، کم‌ترین امتیاز را کسب نمودند. بدین وسیله بحث عدم توجه کافی به آینده شغلی دانشجویان، مبحث مهم کارآفرینی و درآمدزایی، بسترسازی مواجهه دانشجویان با فضای واقعی کار و تلاش در راستای کاهش فاصله بین فضای آموزش و اشتغال ضعیف ارزیابی شده‌است.

شود. بر این اساس، از ره آورد یافته‌های مقاله، تحلیل و فراتحلیل الگوها و مدل‌های موفق آموزش‌های کارآفرینانه و فرارشته‌ای و هم‌چنین، با بهره‌گیری از آرای متخصصان الگوی تدوین ارکان برنامه درسی و سرفصل بهینه برای رشته هنر اسلامی، با تاکید بر کارآمدی کارآفرینانه ارائه شده است. بر این اساس، پژوهش حاضر یکی از مهم‌ترین راهبردها برای بهبود وضعیت را تاکید بر الگوی بینارشته‌ای هنر (هنر اسلامی) و کارآفرینی می‌داند. با توجه به محدودیت فضای مقاله متاسفانه، امکان توضیحات مفصل میسر نیست؛ لیکن، توضیح مختصری پیرامون عناصر ارائه می‌گردد. لازم به ذکر است که، انجام پژوهش‌هایی امثال پژوهش حاضر می‌تواند راه‌گشای امر توسعه کیفی برنامه‌های درسی و در عمل کارآمدسازی آموزش عالی هنرهای ایرانی-اسلامی باشد. لذا، با توجه به این که مبحث بهینه‌سازی برنامه‌های درسی به خصوص در حوزه رشته‌های هنری مبحث بسیار ضروری و مهمی هست، طبیعتاً، پژوهش‌های وسیع‌تر و دامنه‌دارتری را می‌طلبد. در این راستا پیشنهاد می‌گردد، سیر سه‌گانه ارزیابی وضعیت موجود (آسیب‌شناسی)، شناخت مولفه‌های ارتقادهنده و تلاش در راستای دست‌یابی به چارچوب بهبود (ترسیم وضعیت مطلوب) و در نهایت، ارائه الگو و ساز و کار برای بهینه‌سازی فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب (الگوی بهینه‌سازی) در مورد برنامه درسی دیگر رشته‌های هنری نیز انجام گیرد. در ادامه، در نمودار ۵، روند طی شده در راستای دست‌یابی به مدل پیشنهادی بهینه ارائه شده است. همان گونه که در نمودار فوق نیز مشاهده می‌گردد، تلاش شده است طی روندی استاندارد و چندوجهی عناصر اصلی مورد نیاز برای تدوین برنامه درسی و سرفصل بهینه کارشناسی

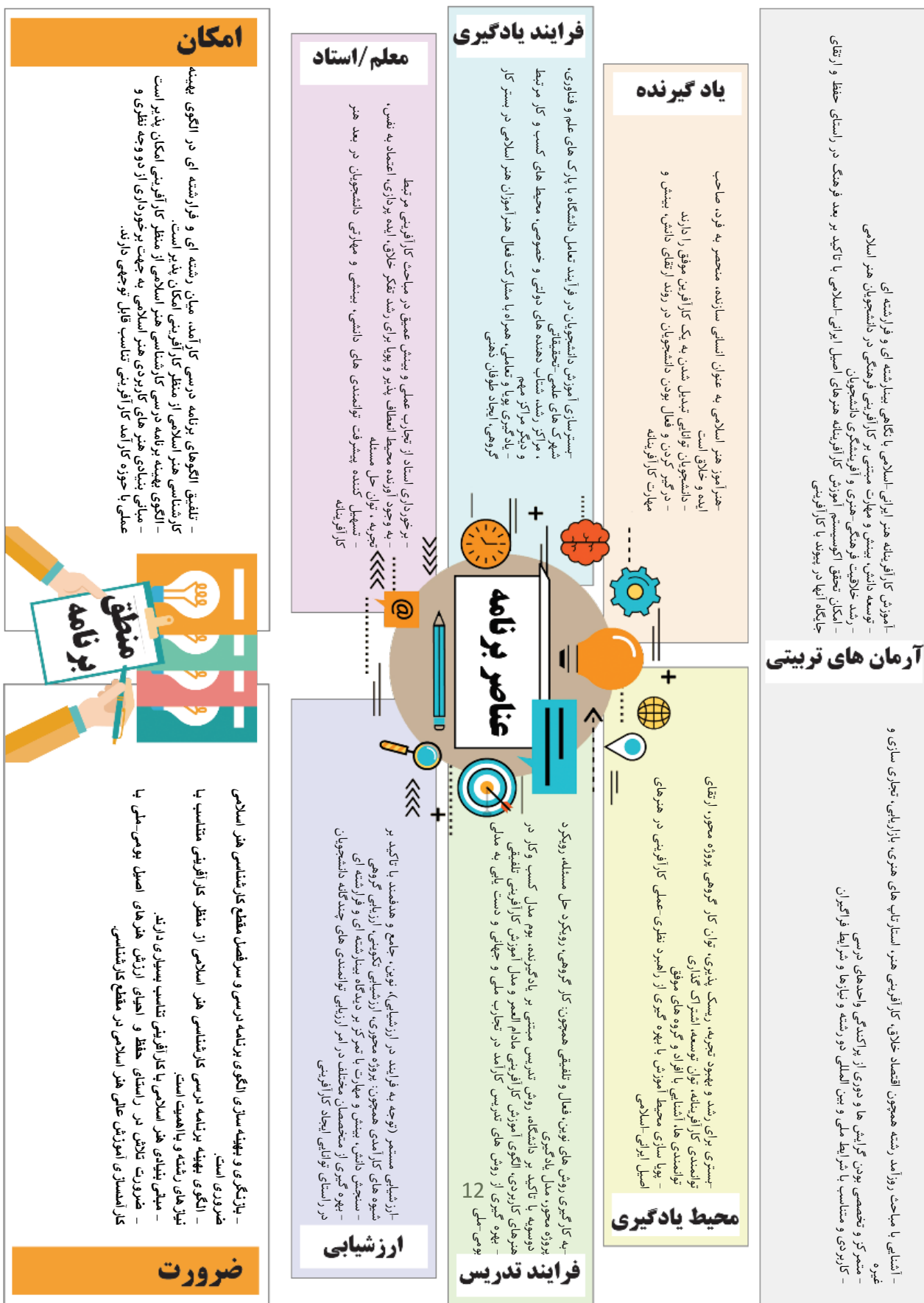
با بهره‌گیری از روش‌های علمی مناسب سه مرحله منسجم طی شود. نخست، بحث ارزیابی و آسیب‌شناسی وضعیت موجود برنامه است. به این معنا که پژوهشگران متناسب با ماهیت رشته، سطح ارزیابی، هدف و دیگر جنبه‌های مهم کار به سنجش شرایط فعلی می‌پردازند. مرحله دوم، ترسیم وضعیت مطلوب از منظر تخصصی است و در نهایت، مرحله نهایی ارائه پیشنهادات راهبردی برای تقویت و بهینه‌سازی است. در این پژوهش، تلاش گردید به واکاوی وضعیت سرفصل کارشناسی هنر اسلامی با تاکید بر منظر کارآفرینی پرداخته شود. پیش فرض نگارندگان با عنایت به چندین سال تجربه علمی و عملی، مبتنی بر نامناسب بودن کارآمدی برنامه درسی و به تبع سرفصل کارشناسی هنر اسلامی بوده است. با توجه به محدودیت فضای مقاله و با عنایت به این نکته که پاسخ‌سوال پژوهش به صورت تفکیکی در داخل متن مقاله همراه با نمودارها و مستندات ارائه گردید، از تکرار تمامی پاسخ‌ها در نتیجه‌گیری صرف نظر گردید.

باید بیان داشت که بر اساس یافته‌های علمی پژوهش با تاکید بر مولفه‌های کارآفرینی میزان کارآمدی سرفصل مقطع کارشناسی هنر اسلامی به عنوان مهم‌ترین سند راهبردی و مبنای فرآیند آموزش این رشته با تاکید بر مولفه‌های کارآفرینی در حد قابل قبولی ارزیابی نمی‌گردد. علاوه بر این هم‌پوشانی بسیار سرفصل مقطع کارشناسی هنر اسلامی با صنایع دستی از جمله مشکلات قابل توجهی است که باید مد نظر صاحب نظران قرار بگیرد. در این راستا، تلاش گردید ضمن تبیین ناکارآمدی‌های وضعیت موجود مقطع کارشناسی هنر اسلامی، به طراحی و ارائه مولفه‌های بهینه پیشنهادی برای تدوین سرفصل کارآمدتر با تاکید بر ظرفیت‌های کارآفرینی و نگاهی میان‌رشته‌ای پرداخته

نمودار ۵. فرآیند دست‌یابی به الگوی بهینه پیشنهادی (ماخذ: نگارندگان).



مدل ۱. مدل شماتیک الگوی بهینه کارآفرینانه برای برنامه درسی و سرفصل کارشناسی هنر اسلامی (ماخذ: نگارندگان).



مدل‌ها و الگوهای برنامه‌درسی کارآمد در آموزش‌های میان رشته‌ای و فرارشته‌ای کارآفرینانه داخلی و خارجی با تاکید بر هنرهای ایرانی-اسلامی نیز بهره گرفته شود. لازم به ذکر این‌که تجربه چندین ساله مولفان در ابعاد تحصیل، تدریس، پژوهش، کارآفرینی و تعامل با مراکز معتبر دولتی و خصوصی در غنابخشی بیش‌تر به یافته‌ها و دست‌یابی به الگویی جامع، کاربردی و عملیاتی بسیار موثر بوده است.

هنر اسلامی تدوین گردد. در ادامه، مدل شماتیک ارکان اصلی الگوی پیشنهادی ارائه شده است. الگوی بهینه پیشنهادی در واقع متشکل از نه عنصر اصلی، یعنی ضرورت، امکان، آرمان‌های تربیتی (وجه غالب محتوا)، محیط یادگیری، تدریس، استاد، فراگیر، فرآیند یادگیری و ارزش‌یابی است. برای دست‌یابی به مولفه‌های تدوین شده در نه رکن اصلی تلاش گردید، ضمن توجه به ظرفیت‌های بالقوه رشته، از ظرفیت

پی‌نوشت

۱. دانشجو می‌تواند از تعداد واحد ارائه شده، ۸ واحد را انتخاب نماید. نک. سرفصل مقطع کارشناسی هنر اسلامی (۱۳۸۵)، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

2. Descriptive Research.
3. Applied Research.
4. Documentary Study.
5. Field Study Research.

منابع

- آل حسینی، فرشته و مهر محمدی، محمود (۱۳۹۰). «تحول مفهوم نهادی برنامه درسی: از عملیاتی به عملی»، مطالعات برنامه درسی ایران، سال ششم، شماره ۲۲، ۲۹-۵۸.
- اسمی، کرامت (۱۳۹۳). طراحی چارچوب برنامه درسی کارآفرینی و ارزیابی برنامه درسی رشته‌های کارشناسی مدیریت و برنامه ریزی آموزشی و آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستان از منظر آن، پایان نامه دکتری رشته روان شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شیراز.
- اکبری، کرامت‌الله (۱۳۸۰). «نقش نظام آموزشی-پژوهشی در توسعه کارآفرینی»، مجموعه مقالات کارآفرینی و فن آوری‌های اطلاعات پیشرفته، ۱۷۱-۱۷۹.
- پهلوری، حسن (۱۳۹۳). «مفهوم‌سازی آموزش کارآفرینی: بررسی ابعاد و مؤلفه‌های آموزش کارآفرینی با تاکید بر آموزش کارآفرینی در سازمان»، سومین همایش علوم مدیریت نوین استان گلستان، ۱-۱۰.
- حجازی، معین سادات و کریمی، ساغر (۱۳۹۱). «بررسی و بازنگری کارآمدی سرفصل‌های رشته صنایع دستی: نمونه موردی رشته صنایع دستی دانشگاه مازندران» مجموعه چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش عالی هنر، تهران: دانشگاه هنر.
- حسینی، سید محمود و عزیز، بهارک (۱۳۸۶). «بررسی عوامل موثر در توسعه روحیه و مهارت‌های کارآفرینی در میان دانشجویان سال آخر دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران»، علوم کشاورزی ایران، دوره ۲، شماره ۳۸، ۲۴۱-۲۵۱.
- حوریزاد گنج کار، نرگس و حسنونند، محمد کاظم (۱۳۹۸). بررسی تاثیر آموزش روش‌های خلاقیت در درس کارگاه نقاشی (بیکره مطالعاتی: دانشجویان کارشناسی رشته نقاشی دانشگاه الزهراء (س))، نشریه مبانی نظری هنرهای تجسمی، شماره ۸، دوره چهارم، شماره ۱، ۵۳-۴۳.
- خوارزمی، مرتضی (۱۳۹۷). طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی مبتنی بر شاخص‌های کارآفرینی در مقطع کارشناسی رشته‌های فنی مهندسی (مطالعه موردی: دانشگاه هرمزگان)، رساله دکتری برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه هرمزگان.
- رسق قزلباش، فریبا (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی کارکرد عناوین درسی رشته نقاشی (دوره کارشناسی) در پیوند با اقتصاد هنر، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران.
- ساداتی، ناصر (۱۳۹۴). طراحی الگوی نظری برنامه درسی هنر مبتنی بر نظریه نمادها با رویکرد شناختی؛ مطالعه موردی: صنایع دستی، رساله دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان.
- سرفصل مقطع کارشناسی هنر اسلامی (۱۳۸۵). وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- سیفی، ندا (۱۳۹۴). پژوهشی در امکان احیای نظام استاد-شاگردی در آموزش هنر ایرانی-اسلامی در عصر حاضر، رساله دکتری هنر اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز.
- شاه طالبی، سمیه؛ لیاقت‌دار، محمد جواد و شریفیان، فریدون (۱۳۹۵). «شایستگی‌های مهارتی دانش‌آموختگان دکتری برنامه درسی ایران، بررسی دیدگاه صاحب نظران و متخصصان برنامه درسی»، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی-برنامه ریزی درسی)، دوره ۱۳، شماره ۲۴ (پیاپی ۵۱)، ۲۱-۳۷.
- شجاعی، عبدالعارف (۱۳۹۸). طراحی الگوی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی برای رشته علوم تربیتی در مقطع کارشناسی، رساله دکتری برنامه‌ریزی درسی، تهران: دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی.
- شریف، سید مصطفی؛ جمشیدیان، عبدالرسول؛ رحیمی، حمید و نادری، ناهید (۱۳۹۰). «تحلیل وضعیت آموزش کارآفرینی در آموزش عالی ایران»،

- توسعه کارآفرینی، سال سوم، شماره ۱۱، ۸۷-۱۰۶.
- صبری، حسین و اعوانی، غلامرضا (۱۳۹۸). «مبانی سنتی هنر اسلامی»، جاویدان خرد، شماره ۳۵، ۱۲۱-۱۳۸.
- فروغی نیا، مریم؛ سهرابی نصیرآبادی، مهین و محمدی، مهدی (۱۳۹۸). «مطالعه تطبیقی نظام آموزش رسمی صنایع دستی ایران و ترکیه با رویکرد «صنایع فرهنگی خلاق»»، مطالعات تطبیقی هنر، سال نهم، شماره ۱۷، ۲۹-۴۲.
- قربانی، شعبانعلی (۱۳۹۵). تبیین فرآیند طراحی جهت آموزش در رشته صنایع دستی (موردپژوهی رشته سرامیک)، رساله دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان.
- ملکی پور، احمد؛ حکیم‌زاده، رضوان و دهقانی، مرضیه (۱۳۹۹). برنامه درسی آموزش کارآفرینی مبتنی بر شایستگی، تهران: دانشگاه تهران.
- هوشیار، مهران (۱۳۹۰). بررسی نظام آموزش عالی در هنرهای صناعی ایران و پیشنهاد یک نظام نوین، رساله دکتری پژوهش هنر، تهران: دانشگاه شاهد.
- نوروز زاده، رضا و فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۹۱). درآمدی بر برنامه ریزی درسی دانشگاهی، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی.
- Aladağ, S. (2017). The views of class teachers on acquisition of entrepreneurship ability. *Journal of Education and Training Studies*, Vol. 5, No. 8, Pp. 51-61.
- Alavi, S.H.R. (2012). Nature, its Principles and Educational Supplies in the Holy Quran and Nahjul Balagheh, *Ma'rifat*, 176(21), 15-31.
- Balderston, D. (2000). *Borges: realidades y simulacros*. Editorial Biblos.
- Bazargan, A. (2004). *Educational Evaluation* (Fourth Edition). Tehran: samt.
- Burnaford, G (ph.D). (2007). Arts Integration (frame workd, research and practice). Retrieved July 16, 2011, from <http://www.amazon.com>.
- case of morocco", *International Journal of Manpower*, 31 (5).
- Oliva, Peter, F. (2010). *Developing Curriculum*, Pearson Education, Inc.
- Dumas, A. & S. Hanchans (2010). "How does job-training increase firm performance? the Harvard graduate school of education. (2010). *Project zero (Artful thinking)*, Retrieved July 16, 2011, from <http://homeavvanta.com/~building /strategies/arts/Dickinson/irnarts.htm>.
- Herman, E. (2019). *Entrepreneurial Intention among Engineering Students and Its Main Determinants*. *Procedia Manufacturing*, Vol. 32, No. 1, Pp. 318- 324.
- Hodinnott, J; Wuetherich, B. (2005-2006). "*The teaching- Research Nexus*". *Education Canada*. 46. (1). P: 32- 35.
- Johnson-Mardones, D. (2015). *Understating curriculum as phenomenon*, field and design: A multidimensional conceptualization. Conference: Conference: Symposium: Educational Innovations in Countries Around the World., at Center for Global Curriculum Studies, Seattle Pacific University.
- Marsh, C. J; Willis, G. (2007). *Curriculum: Alternative approaches, ongoing issues*. Englewood Cliffs, NJ: Merrill.
- Mohanasundaram, K. (2018). *Curriculum Design and Development*. *Journal of Applied and Advanced Research*, Vol. 3, No. 1, Pp. 4-6.
- Posner, G. J. (2004). *Analyzing the Curriculum*, Boston: McGraw Hill. Schramm-Pate, Susan (2010). Textbooks, In: Kridel, Craig (2010) *Encyclopedia of Curriculum Studies*, United States of America, SAGE Publications Ltd.
- Soltani, A., Mahdipour N.(2015) Application of Applied, National, Global, Theoretical and Curriculum Components in Humanities Curriculum from the Viewpoints of Faculty Members)Case Study: Shahid Bahonar University of Ker-man(*Curriculum Research Scientific Research Association Iran Curriculum*, 5(2),47-71.
- Yob, I. M; Danver, S. L ; Kristensen, Sh ; Schulz, W ; Simmons, K ; Brashen, H. M ; Krysiak, R. S ; Kiltz, L Gatlin, L &Wesson, S ; Penland, D. R. (2016). *Curriculum alignment with a mission of social change in Higher Education*, *Innov High Educ* , 41: 203-219.

Evaluate the curriculum of Islamic art and provide an optimization model from an entrepreneurial perspective

Abstract:

Education has always been one of the main priorities in the sustainable development infrastructure in the world, and the efficiency of educational content in training knowledgeable people from those who are under training is always one of the ultimate goals of any educational system. The current priorities also exist in Iran, which are mentioned in the above documents. One of the important factors that can play a key role in cultural development and its continuity, is research in the field of testing and optimizing education. In today's world, efficient higher education is considered as the most basic and most important pillar of economic, social and cultural development, and no change in society will take place without paying special attention to the role of the education system. With the rapid development of work and life skills in the contemporary conditions, the education system of any society needs to be improved quantitatively and qualitatively.

One of the important goals and tasks of the higher education system in any country is to train knowledgeable and efficient manpower that is required by society. Universities today must train graduates with the skills to be able to take important roles in this age of learning. Curriculum design and its revision is a purposeful, progressive, and systematic process for making positive improvements in the higher education system. Accordingly, having a suitable and working curriculum has become a valuable national asset;

Curricula, as one of the most important elements of higher education, have a special place in the efficiency and effectiveness of education and, consequently, the development of capable graduates, because it is according to this program that countries can achieve their human assets. As a standard, to optimize the implemented curriculum, it is necessary to go through three coherent steps. The first is the assessment and pathology of the current state of the program. The second stage is to draw the desired situation from a professional perspective, and the final stage is to provide strategic suggestions for strengthening and optimization of the plan and curriculum. In this research, an attempt was made to analyze the status of the bachelor's degree in Islamic art with an emphasis on the entrepreneurial perspective.

The components of entrepreneurship education for development are a fundamental issue that has been considered and studied by countries around the world and according to this consideration, it has been revealed that the components of entrepreneurship are often acquired and not hereditary. Entrepreneurial features and characteristics should be used to improve the economic, political and cultural arenas, which provide various factors for this cultural context for individuals. One of the most important aspects of this academic context is close and careful analysis of this curriculum's efficiency. Evidently this research needs to select one specific field with enough research potential.

The components of entrepreneurship education for development are a fundamental issue that has been considered and studied by countries around the world and according to this consideration, it has been revealed that the components of entrepreneurship are often acquired and not hereditary. Entrepreneurial features and characteristics should be used to improve the economic, political and cultural arenas, which provide various factors for this cultural context for individuals. One of the most important aspects of this academic context is close and careful analysis of this curriculum's efficiency. Evidently this research needs to select one specific field with enough research potential.

Document Type:

Original/Research/Regular Article

Receive Date: 24 November 2020

Accept Date: 05 January 2021

Mohieddin Aghadavoudi

Ph.D. candidate in the comparative and analytical history of Islamic art, Department of PHD, Shahed University, Tehran, Iran.

Email:

m.aghadavoudi@shahed.ac.ir

Khashayar Ghazizadeh

(Corresponding Author)

Assistant Professor, Department of Islamic Art, Faculty of Arts, Shahed University, Tehran., Iran.

Email: ghazizadeh@shahed.ac.ir

Mohammad Hassan Mirza

Mohammadi

Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran. Iran.

Email:

mirzamohammadi@shahed.ac.ir

* This article is an Extracted from the doctoral dissertation of the first author of the present article entitled "Designing an optimal model of handicrafts curriculum from the perspective of cultural entrepreneurship" which is supervised by Khashayar Ghazizadeh and Mohammad Hassan Mirza Mohammadi, and being carried out with the advice of Mr. Iman Zakariaee Kermani and Mr. Mohammad Taghi Toghrayee at Shahed University in Tehran.

Islamic art is selected, due to its deep connection with the history, civilization, culture, and identity of Islamic Iran, has a distinct place. Currently, this field is active for both undergraduate and graduate levels. The bachelor's degree in Islamic art has been established since 2005 to educate committed, capable and productive people to enhance the quality and quantity of original Iranian-Islamic art and culture. This field has several potential capacities in line with knowledge, insight, and skills. Consequently, it can be considered as a principal discipline in cultural, economic, and social development. In spite of the countless advantages of this field and regarding the fact that more than a decade has passed since its establishment, less research has been conducted methodically and accurately to assess the effectiveness of the curriculum and the subject of Islamic art and provide an effective model in line with its optimization. Then, it is essential to assess the effectiveness of the curriculum and the subject of this field regarding cultural, economic, and social developments at the national and international levels and to provide scientific and executive solutions. The current study aims to evaluate and optimize a bachelor's degree in Islamic art from an entrepreneurial perspective. The main research question consists of two parts. First, at what level are the four pillars of purpose, content, teaching, and evaluation are assessed in Islamic art with an emphasis on the components of entrepreneurship? Via the capacities in the field of entrepreneurship and interdisciplinary perspective, what is the structure and components of the optimization model of the curriculum and Islamic art?

In terms of purpose, the current study is of developmental studies. This means that, with an emphasis on entrepreneurship, the results can be used for the efficient development of higher education in Islamic art. Methodologically, regarding the interdisciplinary and multidimensional nature of the research, a mixture of descriptive-survey and descriptive-analytical methods have been used to attain the goals and answer the questions. The most significant tool for collecting information in the field was the questionnaire. In this paper, a researcher-made questionnaire has been used to better fit the subject. Construct and content validity of the questionnaire was confirmed by the Delphi method and its reliability was confirmed based on Cronbach's alpha. Questionnaire items were compiled via Delphi method and experts, a meta-analysis of valid researches and qualitative findings as well as analysis of the components of appropriate standard questionnaires. According to the headings, the questionnaire is based on four main sections, including purpose, content, teaching, and evaluation. The research experts' community includes university professors, experts with a first and second degree in art and other specialists in the field of Islamic art education and higher art education, and the field of educational sciences with a focus on curriculum and entrepreneurship, economics and entrepreneurship education. The leading method of questionnaire results analysis was done using descriptive statistical methods including mean, median, and standard deviation. The findings of the documentary analysis, meta-analysis, and content analysis have been qualitatively analyzed. A summary of the research findings reveals that among the four pillars of purpose, content, teaching, and evaluation, the content dimension with an average of 53 had the lowest score and the teaching dimension with an average of 69 had the highest score compared to other sections. It should be mentioned that according to the standard questionnaire and experts' opinions, more than 66% of the items in the purpose section, more than 90% of the content items, more than 45% of the teaching items, and finally more than 60% of the evaluation items are evaluated below average (weak). Consequently, while approving the research hypothesis, the findings emphasize the need to optimize the subject of Islamic art with an emphasis on entrepreneurship and interdisciplinary perspective. The suggested optimal model with nine main elements including necessity, purpose, content, comprehensive, learning process, teaching, learning environment, teacher, and evaluation was developed and accepted by experts. The leading features in the development of the components include: increasing interdisciplinary and transdisciplinary viewpoints, developing the entrepreneurial context in Islamic arts, consolidating and improving the university's relationship with other educational centers, using new educational contexts, benefiting from successful domestic and foreign experiences, and other components with an emphasis on the promotion of effectiveness and optimization of the curriculum and the rubric of Islamic art. The stated model, if established and implemented, can be fruitful in optimizing the Islamic art education system based on the continuous evaluation system.

Keywords: Bachelor of Islamic Art, Curriculum Evaluation, Optimization, Entrepreneurship

References:

- Akbari, K(2001) .). *The role of the educational-research system in entrepreneurship development*, Collection of entrepreneurship articles, and advanced information technologies.
- Aladağ, S. (2017). The views of class teachers on acquisition of entrepreneurship ability. *Journal of Education and Training Studies*, Vol. 5, No. 8, Pp. 51-61.
- Alavi, S.H.R. (2012). Nature, its Principles and Educational Supplies in the Holy Quran and Nahjul Balagheh, *Ma'rifat*, 176(21), 15-31.
- Balderston, D. (2000). *Borges: realidades y simulacros*. Editorial Biblos.
- Bazargan, A. (2004). *Educational Evaluation* (Fourth Edition). Tehran: samt.
- Dumas, A; Hanchane, S. (2010). *How does job-training increase firm performance? The case of Morocco*. Interna-

tional Journal of Manpower.

- Fathi Vajargah, K. (2015). *Basic Principles and Concepts of Curriculum Planning*, Second Edition. Tehran: Elm-e Ostadan Publications.
- Foroughinia, M ; Sohrabi Nasirabadi, M ; Mohammadi, M. (2019). *Comparative study of the formal education system of handicrafts in Iran and Turkey with the approach of "creative cultural industries"*, Journal of Comparative Art Studies. Ninth year, number seventeen.
- Ghorbani, S.(2016). *Explaining the design process for teaching in the field of handicrafts (Case study: Ceramics)*, Ph.D. dissertation in the field of the art research. Isfahan University of art.
- Harvard graduate school of education. (2010). *Project zero (Artful thinking)*, Retrieved July 16,2011 , from <http://homeavvanta.com/~building /strategies/arts/Dickinson/irnarts.htm>.
- Hejazi, M; Karimi, S. (2012). *Evaluating the effectiveness of handicraft academic field rubrics: A case study of Mazandaran University*. Proceedings of the First National Conference on Higher Art Education, Tehran: University of Arts.
- Henderson, D. R. (2007). *The Concise Encyclopedia of Economic*, California: Liberty Fund.
- Herman, E. (2019). *Entrepreneurial Intention among Engineering Students and Its Main Determinants*. Procedia Manufacturing, Vol. 32, No. 1, Pp. 318-324 .
- Hodinnott, J; Wuetherich, B(2005-2006) .). *"The teaching- Research Nexus"*. Education Canada. 46. (1). P: 32- 35.
- Hoshyar, M. (2011). *A Study of the Higher Education System in Iranian Industrial Arts and Proposing a New System*, Ph.D. Thesis in Art Research, Shahed University of Tehran.
- Hosseini, S. M. & Azizi, B. (2007). *Investigating the effective factors in developing entrepreneurial spirit and skills among final year students of the Faculty of Agriculture*, University of Tehran, and Iranian Journal of Agricultural Sciences. Volume 2. Issue 38.
- Johnson-Mardones, D. (2015). *Understating curriculum as phenomenon*, field and design: A multidimensional conceptualization. Conference: Conference: Symposium: Educational Innovations in Countries Around the World., at Center for Global Curriculum Studies, Seattle Pacific University.
- Kharazmi, M. (2018). *Designing an optimal curriculum model based on entrepreneurship indicators in the undergraduate degree of technical engineering (Case study: Hormozgan University)*, Ph.D. thesis in Curriculum Planning, Faculty of Humanities, Hormozgan University.
- Marsh, C. J; Willis, G. (2007). *Curriculum: Alternative approaches, ongoing issues*. Englewood Cliffs, NJ: Merrill.
- Mobini, M. (2016). *Introduction to the pathology of art education in higher education*, Isfahan, the first international conference on art and industry in Iranian-Islamic culture and civilization with emphasis on the forgotten arts.
- Mohanandaram, K. (2018). *Curriculum Design and Development*. Journal of Applied and Advanced Research, Vol. 3, No. 1, Pp. 4-6.
- Pahlovari, H(2014) .). *Conceptualization of Entrepreneurship Education: A Study of the Dimensions and Components of Entrepreneurship Education with Emphasis on Entrepreneurship Education in the Organization*. The third conference of modern management sciences in Golestan province.
- Posner, G. J. (2004). *Analyzing the Curriculum*, Boston: McGraw Hill. Schramm-Pate, Susan (2010). Textbooks, In: Kridel, Craig (2010) *Encyclopedia of Curriculum Studies*, United States of America, SAGE Publications Ltd.
- Rasq Ghezelbash, F. (2015). *Pathology of the function of painting course titles (undergraduate course) in connection with art economics*, Master Thesis in Art Research, Faculty of Art and Architecture, Mazandaran University.
- Sabri, H ; Avani, G. (2019). *Traditional Principles of Islamic Art*, Javidan Kherad, No. 35, 121-138.
- Sadati, N. (2015). *Designing a theoretical model of art curriculum based on the theory of symbols with a cognitive approach; Case Study: Handicrafts*. Ph.D. Thesis in Art Research, Isfahan University of Arts.
- Seifi, N. (2015). *A study on the possibility of reviving the teacher-student system in teaching Iranian-Islamic art in the present era*. Doctoral dissertation, Islamic art, Tabriz University of Islamic Art.
- Shojaei, A. (2019). *Designing an Entrepreneurship-Based Curriculum Model for Undergraduate Educational Sciences*, Ph.D. Thesis in Curriculum Planning, Faculty of Educational Sciences, Shahid Beheshti University.
- Tony, Fu; Lai, Yu. (2001). Toward a Theory of the Entrepreneurial State, *International Journal of Social Economics*, 28(9):203334.
- Undergraduate course in Islamic Art. (2006). *Ministry of Science*, Research and Technology.
- Oliva, Peter, F. (2010). *Developing Curriculum*, Pearson Education, Inc.
- Yob, I. M; Danver, S. L ; Kristensen, Sh ; Schulz, W ; Simmons, K ; Brashen, H. M ; Krysiak, R. S ; Kiltz, L Gatlin, L & Wesson, S ; Penland, D. R. (2016). *Curriculum alignment with a mission of social change in Higher Education*, *Innov High Educ* , 41: 203–219.